

بررسی فقهی وضعیت نسب در فرزند طبیعی^۱

علمی - پژوهشی

فاطمه ناصری *

محمد مهدی زارعی **

چکیده

یکی از موضوعات مهم در فرزند طبیعی موضوع نسب است به این معنی که آیا فرزند طبیعی نسب دارد و می‌تواند دارای پدر و مادر باشد یا خیر؟ و این که آیا مانند ولد مشروع از تمامی آثار نسب مشروع برخوردار است؟ در این موضوع اقوال متعددی مطرح شده است، برخی معتقدند فرزند طبیعی مانند ولدالزنا می‌باشد که فاقد نسب است و به پدر و مادر خود ملحق نمی‌شود و گروهی هم معتقدند فرزند طبیعی هر چند از یک رابطه حرام متولد شده است ولی به پدر و مادر خود ملحق می‌شود و بین آنها جمیع احکام نسب ثابت می‌شود. در این پژوهش ما به این نتیجه رسیدیم که فرزند طبیعی ولدالزنا نیست یعنی به پدر و مادر خود منتسب می‌شود ولی به دلیل عدم رابطه زوجیت بین پدر و مادرشان فقط از بعضی آثار نسب مشروع برخوردار است؛ یعنی حرمت تکوینی نکاح، حضانت، ولایت، نفقه و این کودکان از پدر و مادرشان ارث نمی‌برند. اما فرزند شبیه‌سازی شده با صاحب سلول دو قلو محسوب شده و پدر و مادر صاحب هسته والدین فرد شبیه‌سازی شده هستند

کلید واژه‌ها: فرزند طبیعی، مشروع، نسب، حضانت، نفقه، حرمت نکاح

۱ تاریخ وصول: (۱۳۹۹/۰۷/۱۳) تاریخ پذیرش: (۱۳۹۹/۱۰/۰۵)

* دانش آموخته کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)

fatemehnassery^۱@gmail.com

** استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران m.zarei@umz.ac.ir

۱- مقدمه

بر پایه‌ی پژوهش‌هایی که انجام شده در ایران حدود ۲۰ درصد زوجین نابارور هستند (پایگاه تحلیل خبری خانواده و زنان صفحه بهداشت و سلامت، ۱۳۹۶/۹/۱۳) و همچنین با توجه به پیشرفت علم پزشکی در همه عرصه‌ها از جمله درمان ناباروری، در عصر حاضر با استفاده از وسائل پزشکی فرزندان بوجود آمده است که نسب آنها مورد ابهام است و بین فقها اختلاف نظر فراوان وجود دارد که این کودکان مشروع می‌باشند یا نامشروع؟ با توجه به اینکه فرزند طبیعی مصادیق متعددی دارد از جمله فرزند بوجود آمده از رابطه تفخیز دو بیگانه و فرزند ناشی از بعضی از انواع تلقیح مصنوعی (مانند نطفه مرد بیگانه در رحم زن) و فرزند شبیه‌سازی شده. در این شرایط باید تکلیف نسب فرزندان بوجود آمده از این طرق مشخص شود که آیا می‌توانند دارای پدر و مادر باشند یا مانند ولدالزنا بدون نسب و فاقد پدر و مادر هستند؟ آیا احکام نسب مانند حضانت، ولایت، نفقه و توارث شامل آنان می‌شود؟ یا همانند ولدالزنا مشمول این احکام نمی‌شوند؟

شایان ذکر است در ارتباط با این موضوع تحقیقاتی صورت گرفته، از جمله در ارتباط با تلقیح مصنوعی با هر روشی مانند اهدای اسپرم، اهدای تخمک و از هر نطفه‌ای؛ چه بیگانه و چه همسر خود باشد (گرگی، ۱۳۸۷، ۴۴۳؛ امامی، ۱۳۸۰، ۲۳۷-۲۵۶؛ علوی قزوینی، ۱۳۸۰، ۱۸۰-۲۱۱؛ قربان نیا، ۱۳۸۰، ۳۶۸-۳۷۱). و در بحث توارث در موضوع تفخیز (قبله‌ای، ۱۳۷۸) و نیز درمبحث شبیه‌سازی (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۹) و بحث نسب اعم از ولادت، نفقه، توارث، حضانت مطالبی در کتب و مقالات مطرح شده و که قائل به مشروعیت آن شده‌اند (صمدی‌اهری، ۱۳۸۲؛ نایب‌زاده، ۱۳۸۰).

اما در این مقاله نگارندگان در پی بحث پیرامون این موضوع هستند که آیا همه احکام نسب بر فرزند طبیعی بار می‌شود؟ فرضیه پژوهش این است که در تفخیز بجز توارث سایر احکام نسب می‌آید. در تلقیح مصنوعی جز در فرض اهدای اسپرم یا تخمک بیگانه احکام نسب بر فرزند می‌آید هر چند که در فرض اخیر احکام نفقه و حضانت و ولایت صادق است. در شبیه‌سازی بر اساس مبنای مختار؛ فرزند دو قلوئی همسان صاحب سلول است و تمام احکام نسب بر او می‌آید.

۲- مفهوم شناسی

۱-۲- فرزند طبیعی

فرزند طبیعی یک اسم مرکب است و به طور کامل در کتابهای لغت تعریف نشده ولی چون از دو واژه

فرزند و طبیعی تشکیل شده می‌توان این‌گونه بیان کرد. واژه فرزند که به مفهوم نسل و ولد (چه پسر یا دختر) بجهی آدم است (معین، ۱۳۷۵، ۱۲۲۰) و واژه‌ی طبیعی منسوب به طبیعت است و یا ذاتی، جلی (معین، ۱۳۷۵، ۱۰۶۸).

اصطلاح فرزند طبیعی، یک اصطلاح حقوقی است که حقوقدانان برای یک نوع خاص از فرزندان نامگذاری کرده‌اند که هرگاه در نتیجه‌ی رابطه‌ی نامشروع زن و مرد، طفلی به دنیا آید نسب او ناشی از زنا و به تعبیر دیگر نامشروع است و طفل را ولدالزنا، فرزند طبیعی و فرزند نامشروع گویند (صفایی و امامی، ۱۳۹۳، ۱۱۹).

این‌گونه به نظر می‌رسد که در وجود آمدن فرزند طبیعی فقط یک رابطه‌ی خونی نقش داشته و احکام مربوط به ولد مشروع در فرزند طبیعی صادق نیست. بنابراین فرزندی که از رابطه زوجیت بین زن و مرد بوجود نیامده باشد و ولدالزنا هم نباشد به این معنا که در اثر رابطه نامشروع به معنای زنا که در فقه آمده به وجود نیامده باشد. تمام مصادیق فرزند طبیعی را در برگیرد. پس با توجه به اینکه در فرزند طبیعی رابطه مشروع زوجیت وجود ندارد اما زنا هم به شمار نمی‌رود، نمی‌توان فرزند طبیعی را ولدالزنا خطاب کرد و احکام ولدالزنا را بر او بار نمود.

۲-۲- نسب در فرزند طبیعی

نسب مصدر است و در کتاب‌های لغت به معنای قرابت، خویشاوندی و پیوستگی و ارتباط بین دو شیء (انسان) می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۷۵۵؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ۲۲۴۵).

نسب عرفاً رابطه‌ای است اعتباری که از پیدایش یک انسان از نطفه انسان دیگر انتزاع می‌شود. به اصطلاح اصولی، در مورد عنوان ((نسب)) حقیقت شرعی‌ای وجود ندارد بلکه در فقه نیز نسب به همین معنای عرفی اطلاق می‌گردد (نایب زاده، ۱۳۸۰، ۲۶۳). صاحب جواهر بیان می‌دارد: (هو الاتصال بالولادة بانتهاء أحد الشخصین إلى الآخر، کالأب و الابن، أو بانتھائھما إلى ثالث) نسب، عبارت است از ارتباط از طریق تولد به واسطه منتهی شدن شخصی به دیگری مانند پدر و پسریا منتهی شدن آن دو به شخص ثالث (مانند منتهی شدن دو برادر به پدر) است (نجفی، ۱۴۰۴، ۷).

با توجه به تعریف نسب معلوم می‌شود که نسب هر کسی مستقیماً به دو نفر می‌رسد که یکی مادر است و دیگری پدر و اگر بخواهد از آثار نسب بهره‌مند باشد باید دارای نسب مشروع باشد چرا که فرزند نامشروع فاقد نسب می‌باشد و به پدر و مادر خود ملحق نمی‌شود.

۲-۳-۲- اثبات نسب مشروع

هرگاه نسب مشروع طفلی مورد اختلاف باشد، برای اثبات آن سه موضوع باید ثابت شود: ۱- وجود رابطه زوجیت، ۲- نسب مادری، ۳- نسب پدری. با احراز این سه امر حکم به وجود رابطه نسب مشروع بین طفل و پدر و مادر معین، خواهد شد (وحید خراسانی، ۱۴۲۸، ۳۳۰).

۱-۲-۳- وجود رابطه زوجیت

برای اثبات نسب مشروع باید ثابت شود که بین پدر و مادر ادعایی، پیوند زناشویی صحیح و قانونی وجود داشته است. در حقوق ایران، به پیروی از حقوق اسلام، وجود رابطه زوجیت در زمان انعقاد نطفه شرط نسب مشروع تلقی شده است. پس اگر بر اثر رابطه‌ی جنسی آزاد، نطفه‌ی طفلی بسته شود و سپس زن و مرد با هم ازدواج کنند و طفل در زمان زوجیت به دنیا آید نمی‌توان نسب او را مشروع دانست، در فقه امامیه مستند این حکم نص و اجماع است (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۳۶).

۲-۲-۳- اثبات نسب مادری

برای تحقق نسب مشروع مادری اثبات دو امر ضروری است. اولاً زنی که مادر طفل معرفی شده، بچه‌ای به دنیا آورده است. ثانیاً این بچه همان طفلی است که اثبات نسب او مورد اعتماد است به عبارت دیگر در این زمینه باید وضع حمل از یک سو و هویت (این همانی) طفل از سوی دیگر ثابت شود تا نسب مشروع مادری محرز گردد (صفایی و امامی، ۱۳۸۷، ۲۹۱).

۳-۲-۳- اثبات نسب پدری

علاوه بر اثبات نسب مادری نسب مشروع پدری نیز باید اثبات گردد، یعنی باید اثبات شود که طفل از نطفه‌ی شوهر زنی است که طفل را به دنیا آورده است. چون نمی‌توان بطور قطع و یقین تعیین کرد که طفلی از نطفه‌ی دیگری است (آزمایش خون نیز فقط می‌تواند دلیلی بر عدم رابطه‌ی نسبی باشد نه بر وجود آن) لذا قانونگذار برای اثبات نسب پدری قاعده‌ای مقرر داشته است که اماره‌ی ابوت یا اماره فراش نامیده می‌شود (صفایی، ۱۳۸۷، ۱۰۵).

در فقه اسلامی، اماره‌ی فراش معروف به قاعده‌ی فراش می‌باشد که از حدیث معروف نبوی ((الْوَالِدُ لِلْفِرَاشِ وَ لِلْعَاهِرِ الْحَجَرُ)) گرفته شده است (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۹۳؛ مجلسی، ۱۴۱۰، ۶۴) فرزند از فراش است و برای زناکار سنگ است. از نظر لغوی معنی کامه فراش در حدیث نبوی مذکور عبارت است از چیزی که برای خوابیدن یا غیر آن روی زمین می‌گسترانند و در اینجا کنایه از شوهر قانونی و شرعی

است. به موجب قاعده‌ی فراش طفل متولد شده از زن شوهردار، به صاحب فراش یعنی شوهر بر می‌گردد و شوهر نمی‌تواند نسب طفل را از خود ندانسته و او را نفی کند، مگر بوسیله‌ی تمسک به لعان (شهید اول، ۱۴۱۰، ۱۸۷) یعنی تنها راه نفی ولد در اسلام لعان است. در قانون ایران قاعده یا اماره‌ی فراش در دو ماده‌ی ۱۱۵۸^۱ و ۱۱۵۹^۲ قانون مدنی پیش‌بینی شده است.

(اصفهانی، ۱۴۲۲، ۷۵۷) ولی بعضی اثبات زوجیت را کافی می‌دانند. برخی از فقها مانند صاحب جواهر الکلام صرف دخول را معتبر دانسته اگرچه انزال صورت نگرفته باشد زیرا اظهار داشته‌اند: امکان دارد نطفه‌ی زن (تخمک یا اوول) به دلیل دخول آمادگی زاد و ولد پیدا کند یا به نحوی نطفه‌ی کودک منعقد گردد که ما از آن اطلاعی نداریم (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۲۳).

شرط دیگر تولد کودک پس از شش ماه از تاریخ آخرین نزدیکی است و این در جایی است که طفل به طور کامل بدنیا آمده و بخواهد زندگی استقلالی در خارج از رحم داشته باشد، چون طفل متولد کمتر از شش ماه نمی‌تواند در خارج از رحم زندگی کند، لذا این (اماره فراش) در رابطه با طفلی که قبل از کمال ساقط شده است جاری نیست. مستند این سخن دو آیه از قرآن کریم می‌باشد که از جمع بین آن دو استفاده می‌شود که اقل حمل شش ماه است و آن دو آیه، آیه ۱۵ سوره احقاف و آیه ۲۳۳ سوره بقره

۳- اقسام فرزند طبیعی و وضعیت نسب

فرزند طبیعی به سه گروه زیر تقسیم می‌شوند.

۳-۱- فرزند ناشی از رابطه تفخیز دو بیگانه

مفهوم لغوی و اصطلاحی تفخیز: تفخیز واژه‌ای عربی است که از فخذ به معنی ران (واسطی، ۱۴۱۴، ۳۸۵). و چیزی در ران کردن است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۶۸۴۶). و در اصطلاح نوعی رابطه‌ی جنسی بدون دخول است که با مالیدن آلت جنسی مردانه بین ران‌های شریک جنسی‌اش انجام می‌شود. هرگاه بین زن و مرد نکاح دائم یا منقطع نباشد و در اثر تفخیز فرزندی از آنان متولد گردد، یعنی اسپرم

^۱ - ماده‌ی ۱۱۵۸ قانون مدنی (طفل متولد در زمان زوجیت ملحق به شوهر است مشروط بر اینکه از تاریخ نزدیکی تا زمان تولد کمتر از ۶ ماه و بیشتر از ده ماه نگذشته باشد).

^۲ - ماده‌ی ۱۱۵۹ قانون مدنی (هر طفلی که بعد از انحلال نکاح متولد شده باشد ملحق به شوهر است مشروط بر اینکه مادر هنوز شوهر نکرده و از تاریخ انحلال نکاح تا روز ولادت طفل بیش از ده ماه نگذشته مگر آنکه ثابت شود که از تاریخ نزدیکی تا زمان ولادت کمتر از ۶ ماه و بیش از ده ماه نگذشته است).

حاصل از انزال مرد به رحم زن نفوذ و با تخمک وی ترکیب و زن باردار شود آیا می‌توان گفت این طفل مشروع است؟ آیا این طفل ولدالزنا است؟ با توجه به تعریفی که از زنا شد، چون در تفخیز نزدیکی وجود ندارد زنا مصداق پیدا نمی‌کند. ولی این عمل از نظر شرع مقدس اسلام حرام و مستوجب تعزیر و مجازات است.

وضعیت نسب: در مسئله تفخیز بین حقوق دانان و فقها اختلاف نظر وجود دارد. یکی از حقوقدانان این‌گونه بیان می‌دارد: نسب ناشی از تفخیز ملحق به شبهه است هر چند ارتباط بین زوجین نامشروع بوده است. دلیل الحاق نسب ناشی از تفخیز به شبهه آن است که نمی‌توان ارتباط نامشروع فوق را زنا دانست زیرا زنا تعریف خاص خود را دارد و شامل تفخیز نمی‌شود لذا بنا بر حصر عقلی که سه نوع نسب بیشتر وجود ندارد و ارتباط فوق نه نسب مشروع است و نه نسب ناشی از زنا، باید گفت نسب ناشی از تفخیز نیز ملحق به نسب ناشی از شبهه است (دیانی، ۱۳۸۷، ۳۶۵). و برخی دیگر معتقدند: باید رابطه جنسی بین زن و مرد مباح باشد تا نسب مشروع به حساب آید (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ۱۶).

در موضوع مورد بحث فقها نظرات متعددی بیان کرده‌اند. بعضی معتقدند این عمل نامشروع است ولی طفل به والدین خود ملحق می‌شود (بهجت، ۱۴۲۸، ۱۳۵؛ اراکی، ۱۳۶۸، ۱۹۴؛ صانعی، استفتاء ۱۸۴۷۴۴). اما گروه دیگر معتقدند این عمل حکم زنا را دارد (هاشمی‌شاهرودی: کدرهگیری ۰d۵۰e۸۶a۹c)؛ سعیدحکیم: کدرهگیری (۰۸۶۳۳۷۷۵۵) و گروه دیگر بر این عقیده‌اند هرچند کار حرامی انجام داده اما فرزند حلال زاده است (مکارم شیرازی: کدرهگیری ۰۹۶۱۲۲۲۰۰۲۲).

به نظر می‌رسد طفل بوجود آمده از رابطه تفخیز دو بیگانه ولد مشروع به حساب نمی‌آید. از طرف دیگر زنا زاده نیست پس احکام ولدالزنا در اینجا موضوعیت ندارد ولی طفل تکویناً ملحق به آن دو است و به همین دلایل می‌توان گفت طفل متولد شده از این رابطه به والدین خود ملحق می‌شود اما از بعضی آثار مربوط به نسب مشروع برخوردار است و در گروه فرزندان طبیعی قرار دارد.

۲-۳- فرزند ناشی از تلقیح مصنوعی

تلقیح، به معنی آبستن شدن و باردار شدن است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ۵۷۹) و در اصطلاح عبارت است از آبستن کردن زن بوسیله تزریق اسپرماتوزوئید مرد به رحم زن به کمک وسایل پزشکی و آلات مصنوعی بدون انجام عمل مقاربت و نزدیکی (علوی قزوینی، ۱۳۸۰، ۱۸۱).

تلقیح مصنوعی انواع مختلفی دارد و به دلیل اینکه بعضی از آنها جزء فرزندان طبیعی هستند فقط

وضعیت نسب گروهی از آنها بررسی می‌شود.

۱-۲-۳- وضعیت نسب در اسپرم بیگانه

وضعیت نسب با استفاده از اسپرم بیگانه در موارد زیر بررسی می‌گردد:

الف: رابطه طفل با زوجه ب: رابطه طفل با صاحب اسپرم

رابطه طفل با زوجه: بحث در مورد الحاق طفل حاصل از لقاح مصنوعی با زن ملقوحه با اسپرم بیگانه است. آیا این طفل فرزند این زن است؟ و آیا علم و جهل زن در این مورد اثر حقوقی دارد؟ ممکن است گفته شود که اگر زن نسبت به عمل تلقیح مصنوعی با اسپرم بیگانه جاهل باشد، طفل متولد از این لقاح در حکم ولد شبهه است و به مادر ملحق می‌گردد، ولی چنانچه زن به موضوع علم داشته باشد، طفل حاصل از آن در حکم ولد ناشی از زنا است و در نتیجه به وی ملحق نخواهد شد. برخی معتقدند طبق ماده ۱۱۶۷ ق.م طفل هنگامی به مادر وی که او را به دنیا آورده ملحق نمی‌شود، که این زن مرتکب زنا شده باشد و فرزند متولد از عمل زنا یا اصطلاحاً ولدالزنا باشد، در حالی که در تلقیح مصنوعی واقعه و در نتیجه زنا تحقق پیدا نکرده، طفل حاصل نیز ولدالزنا نیست و علم و جهل زن نیز سبب نمی‌شود که عنوان عمل تغییر کند. با این ترتیب در حقوق به واسطه نبودن حکم صریح نمی‌توان در مورد تردید از اصل حلیت و اباحه دست برداشت (گرجی، ۱۳۸۷، ۴۳۰). در حقوق اسلام و در فقه امامیه نیز منحصراً ولدالزنا موضوع حکم عدم الحاق است گروهی از فقها از جمله آیت الله سیستانی بیان می‌دارد: اگر تلقیح با نطفه بیگانه چه بصورت عمدی و آگاهانه و یا اشتباهی رخ داده باشد این فرزند در هر دو فرض به مادرش ملحق می‌گردد و هیچ فرقی میان او و دیگر فرزندان نیست (سیستانی، ۱۴۳۳، ۴۸۱).

رابطه طفل با صاحب اسپرم: اگر در اثر تلقیح اسپرم مرد بیگانه با تخمک زنی، طفلی بوجود آید نمی‌توان گفت طفل ارتباطی با صاحب اسپرم ندارد، بلکه از نظر ژنتیکی و عرفی، کودک منتسب به صاحب نطفه است، اما از جهت حقوقی در ارتباط با رابطه طفل با صاحب نطفه گروهی بر این عقیده‌اند که اگر صاحب اسپرم جاهل بر عمل تلقیح باشد، طفل در حکم ولد شبهه و ملحق به صاحب اسپرم است و اگر صاحب اسپرم عالم باشد، طفل حاصل از این تلقیح در حکم ولدالزنا است و ملحق به صاحب اسپرم نخواهد شد و در توجیه این نظر می‌گویند: طفل وقتی به پدر ملحق و منتسب می‌گردد که از طریق مقاربت به وجود آمده باشد و اگر بچه‌ای از طریق غیر متعارف از جمله از راه تلقیح مصنوعی با اسپرم غیر شوهر با علم و اطلاع از این موضوع و آگاهی طرفین و متولد شود قانوناً و شرعاً به صاحب اسپرم ملحق

خواهد شد و تلقیح مصنوعی با اسپرم بیگانه همانند عمل زنا بر اساس خانواده لطمه خواهد زد (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ۲۶-۳۰).

عده‌ای دیگر معتقدند: طفل ناشی از تلقیح مصنوعی با اسپرم بیگانه اعم از اینکه صاحب نطفه عالم به لقاح باشد یا جاهل به آن، هم از نظر بیولوژی و هم از نظر حقوقی فرزند صاحب اسپرم است، زیرا جنین بدون تردید از نطفه او متکون شده است. بنابراین از نظر طبیعت و در لغت و همچنین از دیدگاه عرف چنین طفلی به صاحب ماء تعلق فطری و حقوقی دارد، به این دلیل که در تلقیح مصنوعی با اسپرم بیگانه عمل زنا تحقق نیافته تا طفل ولدالزنا محسوب شود و به زانی ملحق نگردد و در قانون و شرع منحصرأ برای طفل ناشی از زنا آن هم در زمینه خاص حکم صریح وجود دارد و از ملاک این ضابطه خاص نمی-توان در سایر موارد استفاده کرد (امامی، ۱۳۸۰، ۲۴۷).

برخی از فقها طفل را نامشروع می‌دانند ولی او را ولدالزنا نمی‌دانند برخی می‌گویند: به منزله فرزند نامشروع است که محرم است ولی از یکدیگر ارث نمی‌برند (مکارم، ۱۴۲۹، ۸۳) و همچنین اگر صاحب نطفه و تخمک معلوم باشد بچه به آنها ملحق می‌شود و اگر نه مجهول‌النسب می‌باشد (منتظری، ۱۴۲۷، ۸۸). و بعضی بچه را ملحق به زن و مرد صاحب نطفه می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۸۹، ۲۷۶) و عده‌ای بیان می‌دارد کودک به صاحب اسپرم ملحق می‌شود نه به شوهر زن (جناتی، ۱۳۸۴، ۴۴۵).

۲-۲-۳- وضعیت نسب در تخمک بیگانه

هر گاه زنی با استفاده از تخمک بیگانه باردار شود و طفل بدنیا آید، نسب این طفل به چه کسانی منتهی می‌شود و پدر و مادر این طفل چه کسانی هستند؟ آیا باتوجه به اینکه بعضی از فقها حکم به جواز این-گونه تلقیح داده‌اند و گروهی قائل به حرمت تلقیح با تخمک بیگانه هستند آیا نسب طفل مشروع است یا نامشروع؟

نسب پدری: در این حالت جنین از اسپرم شوهر و تخمک اهدائی تشکیل شده است، شوهر زوجه نابارور هم صاحب اسپرم است و هم شوهر زنی است که بچه را بدنیا می‌آورد در نتیجه در صورت تولد طفل در زمان زوجیت صاحب فراش نیز می‌باشد اگر چه با وجود دخالت اسپرم وی در تکون جنین و عدم وجود منازع در این مورد، ضرورتی به توسل به اماره فراش برای اثبات پدری نیست. در صورتی که اهداکننده تخمک دارای شوهر باشد، هیچ رابطه نسبی بین شوهر زن اهداکننده تخمک و بچه بدنیا آمده در اثر استفاده از حالت اهداء تخمک محقق نمی‌گردد چرا که وی نه صاحب اسپرم است نه شوهر زنی

است که بچه را به دنیا آورده است. فلذا فراشی نیز به نفع وی در اینجا وجود ندارد. بدین ترتیب شوهر زنی که بچه را بدنیا آورده و از اسپرم وی در تشکیل جنین استفاده شده است، پدر بچه‌ای است که در اثر بهره‌گیری از حالت اهداء تخمک به وجود می‌آید (نایب زاده، ۱۳۸۰، ۵۴۰).

نسب مادری: در این باره سه نظریه مطرح است.

الف) گروهی زن صاحب رحم را مادر قانونی می‌دانند.

ب) گروهی صاحب تخمک را مادر قانونی می‌دانند.

ج) گروهی هم به این عقیده‌اند که هم صاحب تخمک و هم صاحب رحم مادر قانونی می‌باشد یعنی طفل دارای دو مادر قانونی است.

الف) صاحب رحم مادر قانونی است

گروهی ملاک انتساب فرزند به مادر را زاییدن می‌دانند یعنی زن صاحب رحم مادر است و برای استدلال نظریه خود از آیات قرآن استناد گرفته‌اند. مهمترین آیه از سوره مجادله آیه ۲ است. این آیه اشاره به این معنی است که به هر حال آنکه بچه را به دنیا می‌آورد، مادر محسوب می‌شود اما این استدلال صحیح نمی‌باشد. زیرا این آیه در مقام رد کسانی است که با تشبیه زن خود به مادر خویش (ظهار) او را در حکم مادر دانسته و بر خود حرام می‌دانستند چرا که یکی از ظلم‌هایی که در دوران جاهلی در حق زن روا می‌داشتند قانون ظهار بود که اسلام آن را لغو و برای ارتکاب آن جریمه سنگین تعیین کرد (قرائتی، ۱۳۸۸، ۵۰۱) دومین آیه از سوره احقاف آیه ۱۵ است. با توجه به معنای آیه؛ خداوند به انسان توصیه می‌کند به پدر و مادرش نیکی کند چرا که مادر کسی است که با سختی او را حمل و زایمان می‌کند. البته این نظر هم قابل قبول نیست زیرا خداوند در این آیه به انسان یادآوری می‌کند مادر در طول مدت بارداری و شیردهی بزرگترین فداکاری را در مورد طفلش انجام می‌دهد و همین‌طور در زمان بدنیا آمدن فرزند سخت‌ترین دردها را تحمل می‌کند، خداوند با شرح دردها و رنج‌های مادر در راه پرورش فرزند مسئله محبت و نیکی به والدین را مورد توجه قرار داده است، و نمی‌توان از این آیات نتیجه گرفت مادر، صاحب رحم است.

گروهی از فقها با این نظریه موافقت و صاحب رحم را مادر قانونی می‌دانند: تبریزی (۱۳۸۵، ۴۵۵)، خوئی (۱۴۱۸، ۳۷۲) اراکی (۱۳۷۳، ۵۹۸) ایشان معتقدند که نطفه زن صاحب تخمک معد (آماده کننده) برای

زن صاحب رحم بوده و او جزء اخیر علت تامه به دنیا آمدن بچه است.

ب) صاحب تخمک مادر قانونی است

طرفداران این نظریه برای اثبات ادعای خود به چند مطلب استناد کرده‌اند.

قرآن کریم در چند آیه منشأ وجود انسان را مایعات جنسی مرد و زن به دو صورت مستقل (اسپرم و تخمک) و ترکیبی (نطفه) دانسته است. برخی از این آیات مانند آیه ۲ سوره انسان که می‌فرماید: **ما انسان را از نطفه ای آمیخته آفریدیم** و آیه ۱۳ سوره مومنون بیان می‌کند: **سپس او را نطفه- ای در جایگاه استوار قرار دادیم**. بر این اساس، سلول تخم (اسپرم و تخمک لقاح یافته) پس از جانشینی در رحم؛ منشأ پیدایش انسان می‌شود. از این رو تنها زن صاحب تخمک مادر کودک به حساب می‌آید (نظری توکلی، ۱۳۹۶، ۶۴).

همچنین این گروه اعتقاد دارند که ملاک مادر بودن در نظر عرف، مانند ملاک پدر بودن است، عرف زنی را که در نخستین مرحله آفرینش و ایجاد پیدایش جنین سهم دارد، به عنوان مادر تلقی می‌کند. آن زن، صاحب تخمک است، زیرا تخمک وی در نخستین مرحله وجود کودک دخالت داشته و نطفه جنین از ترکیب تخمک وی و اسپرم بوجود آمده است. پس از این مرحله، تغذیه، پرورش و رشد جسمانی و روحی جنین هیچ نقشی جز استمرار بقا و رشد وی ندارد (رضانیا معلم، ۱۳۸۰، ۳۲۶). بنابراین منشأ نسب جنین با مادر همان است که در انتساب او به پدر است. بدین ترتیب رابطه نسب بین طفل و زن صاحب تخمک برقرار می‌شود و طفل به وی ملحق می‌گردد و چون اساس و منشأ تکون طفل، همان اسپرم مرد و تخمک زن است لذا تخمک زن یکی از دو علت لازم برای بوجود آمدن طفل می‌باشد بنابراین صاحب تخمک است که باید مادر قانونی طفل تلقی شود. طرفداران این نظریه (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۰، ۶۰۶؛ منتظری، ۱۴۲۷، ۹۰؛ خامنه‌ای، ۱۳۸۹، ۲۸۱؛ جناتی، ۱۳۸۴، ۵۷؛ سعیدحکیم، استفتاء شماره ۳۱۳۹۵۸۹۰۰) می‌باشند.

ج) هم صاحب تخمک و هم صاحب رحم مادر است

طرفداران این نظریه، معیار پیدایش فرزند از ناحیه مادر را دو عامل می‌دانند ۱- ارتباط تکوینی و وراثتی فرزند با مادر که بوسیله تخمک حاصل می‌شود. ۲- ارتباط حملی، ولادتی که بوسیله رحم محقق می‌شود (مه‌دوی کنی، ۱۳۹۲، ۱۹۸). در این حالت ارتباط هر دو زن با طفل، تغییر ناپذیر و پابرجاست. این دو زن بدون اضافه شدن به هم قادر به دنیا آوردن این نوزاد نیستند. در این مورد هم از نظر طبیعی و ژنتیکی و هم از نظر اخلاقی و عرف، زن صاحب تخمک اساس و منشأ تکون طفل به شمار آمده و از سوی دیگر

نیز از تعلق و وابستگی طفل به زنی که ماه‌ها در رحم او بوده و رشد کرده نمی‌توان صرف نظر کرد به ویژه پس از مراحل مختلفی که بعد از قرار گرفتن نطفه در رحم زن باید سپری شود تا نطفه شکل انسانی به خود بگیرد (یدالهی باغلوبی، ۱۳۹۴، ۵۰). به بیان دیگر نظریه دو مادری بهتر و جامع‌تر به نظر می‌رسد اما در مورد اینکه مادر اجاره‌ای؛ مادر نسبی است یا رضاعی نمی‌توان به‌طور قطع اظهار نظر نمود ولی مسلماً می‌توان قائل به محرمیت و رابطه مادر و فرزندگی بین آنها شد (ریاضت، ۱۳۹۱، ۱۰۲). از بین فقهای معاصر موسوی اردبیلی (۱۳۸۰، ۵۳۸) با نظریه دو مادری موافق است.

به نظر می‌رسد این نظریه قابل قبول نباشد چرا که عرف صاحب تخمک را به عنوان مادر می‌شناسد علاوه بر این اگر قائل به نظریه دو مادری شویم در مسائل ارث، حضانت، نفقه و توارث مشکلات فراوان بوجود خواهد آمد، هر چند در محرمیت می‌توان به لحاظ نسبی و رضاعی هر دو را مادر دانست ولی این فرض در صورتی که آنها عالم به مسئله باشند، محل تأمل است.

۳-۳- فرزند ناشی از شبیه‌سازی

شبیه‌سازی یا استنساخ که به آن کلونینگ گفته می‌شود از کلمه‌ی یونانی (کلون) به معنای قلمه زدن، جوانه زدن و تکثیر کردن گرفته شده و کلونینگ عبارت است از بریدن و تکثیر کردن (سلمان السعدی، ۱۴۲۳، ۱۰). و در اصطلاح عبارت است از کشت هسته سلول غیرجنسی انسان یا حیوان که دارای کروموزوم کامل می‌باشد. در سلول تخمک عاری از هسته جنس ماده، و بارور کردن این تخمک به کمک روش‌های ویژه در رحم طبیعی یا مصنوعی، به منظور تشکیل موجود زنده‌ای که از لحاظ شکل ظاهری دقیقاً مانند صاحب هسته سلول اولیه باشد و به بیان ساده‌تر، کلونینگ به معنای (تولیدمثل و ایجاد موجودی مشابه نسخه اصلی به طریقه‌ای غیرجنسی) می‌باشد (نوبخت، ۱۳۸۵، ۲۶۸).

در مورد نسب بر آمده از شبیه‌سازی فقها و علما نظرات متفاوتی را ارائه کرده‌اند؛ گروهی این اطفال را فاقد نسب می‌دانند و گروهی آنها را دارای نسب می‌دانند.

در حال حاضر دو نظریه در مورد نسب این کودکان وجود دارد؛

الف) فقدان نسب در فرد شبیه‌سازی شده

برخی به دلیل فقدان نکاح، قائل به عدم نسب هستند چرا که یکی از راههای بوجود آمدن نسب زوجیت است که باید از طریق رابطه جنسی زن و مرد باشد. و در شبیه‌سازی رابطه جنسی وجود ندارد. اینان بیان می‌دارند فرزندگی که از راه شبیه‌سازی بوجود می‌آید، نه پدری دارد (زیرا از نطفه مرد نیست) و نه مادری

دارد (زیراترکیب نطفه نیست) و نه خواهری و نه برادری و نه مادر جانشین است، یعنی فردی است فاقد نسب (مکارم شیرازی، ۱۴۲۹، ۱۳۲).

به نظر می‌رسد نمی‌توان این کودکان را فاقد نسب دانست زیرا فقدان نسب فقط در مورد زنا قابل پذیرش است و در شبیه‌سازی زنا وجود ندارد.

ب) فرد شبیه‌سازی شده، کودک صاحب سلول است

طبق این فرض نوزاد شبیه‌سازی شده، فرزند شخص صاحب سلول خواهد بود. اگر این شخص مرد باشد، پدر نوزاد و اگر زن باشد مادر او محسوب می‌شود، بنابراین اگر صاحب سلول مرد است، کودک تنها دارای پدر است یا اگر زن است، تنها دارای مادر است و اشکال شرعی در رخ دادن این موضوع وجود ندارد بنابراین کودک از جمله فرزندان شخص صاحب سلول تلقی می‌شود و میان او و سایر فرزندان صاحب سلول، نسبت برادری یا خواهری برقرار است و شبیه‌سازی موجب بوجود آمدن فرزندی برای صاحب سلول می‌گردد. آیت‌الله عزالدین زنجانی، جناتی و معرفت با این نظر موافقت. (پرسش و پاسخ از محضر علما، ۱۳۸۴، شماره ۴۶). همچنین در این نظریه آیت الله صانعی بیان می‌دارد طفل ظاهراً به صاحب سلول ملحق می‌شود اما با دیگران از اقوام صاحب سلول نسبتی ندارد (استفتاء شماره ۱۸۴۷۴۴). هاشمی شاهرودی معتقد است این انسان مانند فرزندرضاعی است که با صاحب سلول محرم است، اما ارث نمی‌برد و ازدواج با هر کس جز محارم (کسی که سلول از او گرفته شده یا در رحم او پیوند زده شده) مانعی ندارد (استفتاء شماره ۰۰۵۰۸۶۸۹۰۰).

درحقیقت شبیه‌سازی؛ تولد موجود زنده بدون انجام عمل لقاح است یعنی سلول غیر جنسی مثل سلول پوست را از یک فرد (مرد یا زن) دریافت و در تخمک خالی شده از هسته یک زن قرار می‌دهند و تخمک را به رحم زن انتقال می‌دهند و در نهایت پس از گذراندن دوران جنینی طفل دنیا می‌آید و این طفل دقیقاً شبیه انسانی است که سلول جسمی از او گرفته شده است، اما در روش جنسی ترکیب اسپرم و تخمک وجود دارد که از طریق زوجیت شرعی می‌باشد.

به نظر می‌رسد برداشت فوق در ارتباط با نسب فرزند شبیه‌سازی شده، محل تأمل است. آنچه می‌توان گفت اینکه این کودکان دارای نسب هستند با این بیان که پدر و مادر صاحب سلول، پدر و مادر فرزند کلون شده به حساب می‌آید. به بیان دیگر، صاحب سلول و فرزند حاصل از صاحب سلول، دو قلوبی هم محسوب می‌شوند، زیرا نسب پدری و مادری ناشی از رابطه زوجیت است، در شبیه‌سازی زوجیت به

طریق مستقیم وجود ندارد ولی با واسطه قابل اثبات است و این طفل از سلول‌هایی بوجود آمده که ناشی از ازدواج پدر و مادر صاحب سلول است. در واقع فرد شبیه‌سازی شده دو قلوبی با تأخیر از اصل خویش است یعنی اگر از هسته سلول جسمی فردی استفاده شود، فرد بوجود آمده از طریق شبیه‌سازی با صاحب هسته سلول دو قلوبی باشد و پدر و مادر طفل بوجود آمده همان پدر و مادر صاحب سلول است. دلیل این نظر عرف خاص یا همان متخصصان در رشته‌های جنین‌شناسی و مهندسی ژنتیک است. ایشان معتقدند که فرد شبیه‌سازی شده ملحق به صاحب نطفه یعنی پدر و مادر صاحب سلول است (Trousseau, ۲۰۱۲).

۴- آثارنسب در فرزند طبیعی

باتوجه به اینکه اطفال طبیعی مانند فرزندان مشروع و قانونی به طور یقین رابطه خونی و طبیعی با پدر و مادر خود دارند و از این حیث با فرزندان حاصل از رابطه مشروع فرقی ندارند و با توجه به نظر بسیاری از علما و فقهای معاصر این فرزندان منتسب به والدین خود هستند و از آثار نسبی برخوردارند، از این رو در ادامه آثار نسب فرزندان طبیعی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. حرمت نکاح، حضانت، الزام به انفاق، توارث.

۱-۴- حرمت نکاح

به عقیده بسیاری از فقها در رابطه با تفخیز محرمیت ثابت است و این کودکان به والدین خود و خویشان نسبی، سببی و رضاعی محرم هستند (قبله ای، ۱۳۷۸، ۱۴۷؛ صانعی، استفتاء شماره ۱۸۴۷۴۴؛ مکارم - شیرازی، استفتاء شماره ۹۶۱۲۲۲۰۰۲۲). شایان ذکر است که حرمت نکاح در این‌جا به جهت رابطه تکوینی فرزند با پدر و مادر و سایر اقارب نسبی و سببی و رضاعی است.

در ارتباط با فرزند از طریق اسپرم بیگانه با توجه به نظر بعضی از فقهای امامیه می‌توان قائل به الحاق طفل به پدر طبیعی یعنی صاحب اسپرم شد اعم از اینکه صاحب نطفه عالم یا جاهل به عمل لقاح باشد، زیرا بچه از نطفه او متکون شده و در این حالت زنا تحقق نیافته و طفل ناشی از این تلقیح ولدالزنا نیست و به صاحب نطفه ملحق می‌شود، در هر حال بین طفل و صاحب نطفه اشتراک خونی ناشی از پدر فرزندی و قرابت نسبی وجود دارد و نکاح صاحب نطفه با چنین کسی که از نطفه او به وجود آمده نکاح بین پدر و فرزند است که قانوناً و شرعاً و اخلاقاً ممنوع و حرام است (صمدی اهری، ۱۳۸۲، ۹۸).

اما در مورد کودک حاصل از اهدای تخمک بیگانه اگر بر این عقیده باشیم که نسب بچه به صاحب

اسپریم و تخمک می‌رسد و همانگونه که مرد به لحاظ نشأت گرفتن طفل از اسپرم او پدر محسوب می‌شود و زن صاحب تخمک نیز مادر محسوب می‌شود آیا می‌توان به زنی که جنین را در شکم خود پرورش داده نیز عنوان مادری داد و از نظر ممنوعیت نکاح حکم مادر رضاعی را بر او بار نمود و در نتیجه بین او و بچه محرمیت و حرمت نکاح بوجود آورد، همانگونه که در قرابت رضاعی این وضع وجود دارد؟ از نظر قانون می‌توان به کمک وحدت ملاک و یا به استناد به مفهوم اولویت حکم قرابت رضاعی را نسبت به دریافت کننده تخمک اهدایی جاری کرد و چنین استدلال کرد که ملاک نشر حرمت در رضاع به همان اندازه یا بعضاً با شدت بیشتری در این‌گونه باروری وجود دارد. وقتی که رضاع با اجتماع شرایط خاص خود سبب نشر حرمت و مانع نکاح است به طریق اولی تکامل و تشکل طفل در رحم می‌تواند نسبت به نکاح مانعیت داشته باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت قرابت پذیرنده تخمک بیگانه از حیث حرمت نکاح در حکم قرابت رضاعی است و طبق ماده ۱۰۴۶ قانون مدنی (قرابت رضاعی از حیث حرمت نکاح در حکم قرابت نسبی است) یعنی هر عنوانی از خویشاوندی نسبی باعث حرمت می‌گردد همان عنوان از خویشاوندی رضاعی موجب حرمت نکاح خواهد بود (نایب زاده، ۱۳۸۰، ۳۳۸). شایان ذکر است زنی که تخمک خود را می‌دهد محرمیت تکوینی با فرزند متولد شده دارد و قیاس آن با محرمیت رضاعی صحیح نیست.

درمورد حرمت نکاح در فرزند شبیه سازی شده با توجه به این مسئله که گروهی از فقها بر این عقیده‌اند که فرزند پدید آمده از طریق شبیه‌سازی فرزند صاحب سلول (مرد یا زن) است. او یا دارای مادر نسبی است و از پدر برخوردار نیست و یا دارای پدر نسبی است و از وجود مادر بی‌بهره است. بر این اساس، فرزندان مادر یا فرزندان پدر، برادران و خواهران کودک تلقی می‌شود به همین ترتیب در فرض نخست (از ناحیه مادر) دارای دایی و خاله و در فرض دوم (از ناحیه پدر) عمو، عمه خواهد بود و در مورد سایر نزدیکان نسبی نیز به تناسب مورد، همین گونه است و در هر موردی حکم آن در خصوص جواز و حرمت نگاه کردن جواز و حرمت ازدواج و دیگر موارد بر آن مترتب خواهد شد (مؤمن، ۱۳۸۴، ۴۶، ۷). برخی معتقدند با صاحب سلول و نسبت به تمام اشخاصی که از اصل او محرم هستند؛ محرم می‌شود (مکارم شیرازی ۱۳۸۱، ۹۶۱۲۲۱۰۰۲۱) و بعضی دیگر بیان می‌دارند: این انسان مانند فرزند رضاعی است که با صاحب سلول محرم است (هاشمی شاهرودی شماره ۰۵۰۸۶۹c).^{۱۰}

با توجه به نظر مختار که فرزند شبیه سازی شده دو قلوبی با تأخیر صاحب سلول است، پدر و مادر او

همان پدر و مادر صاحب سلول بوده و رابطه او با صاحب سلول به عنوان خواهر یا برادر است.

۲-۴- حضانت

در مورد فرزندان ناشی از رابطه تفخیز به گفته گروهی از علما این فرزندان در حکم متولد از نکاح خواهند بود و احکام فقهی و حقوقی بر این کودکان ثابت خواهد بود، آیات عظام در این باره می‌فرمایند این اطفال از حقوق فرزندان حلال زاده برخوردار هستند (صانعی، استفتاء شماره ۱۸۴۷۴۴؛ حکیم، استفتاء شماره ۰۸۶۳۳۷۷۷۵۵؛ مکارم شیرازی، استفتاء شماره ۹۶۱۲۲۲۰۰۲۲؛ بهجت، ۱۴۲۸، ۱۳۵). گروهی معتقد هستند که فرزند به پدر و مادر خود ملحق نمی‌شود و احکام نسب شرعی بر این فرزندان اجرا نمی‌شود (هاشمی شاهرودی، استفتاء شماره ۰d۵۰e۸۶a۹c).

به نظر می‌رسد از آنجایی که طفل حاصل از تفخیز دو بیگانه، نامشروع است، به لحاظ شرعی حضانت او بر عهده پدر نیست اما به لحاظ قانونی و در راستای مصلحت کودک، دادگاه می‌تواند پدر تکوینی او را موظف به حضانت او نماید.

در مورد فرزند از طریق اهدای اسپرم بیگانه، پدر طفل غالباً ناشناخته است، حضانت کودک با مادر و بعد از مدت مقرر چون طفل در خانواده زندگی می‌کند، اگر شوهر این تکلیف را نپذیرد، چون پدر کودک (صاحب اسپرم) معلوم نیست، لذا می‌توان گفت حکم قضیه همانند وقتی است که پدر وی فوت شده باشد. که در این صورت برابر ماده ۱۱۷۱^۱ ق.م ایران مادر تکلیف نگهداری طفل را خواهد داشت. با این ترتیب مادر کودک متولد از اسپرم بیگانه همانند مادران دیگر که از راه مقاربت با شوهر صاحب فرزند شده‌اند، تکلیف حضانت و تربیت کودک را دارد. (صمدی اهری، ۱۳۸۲، ۱۱۰) اما در موردی که در فرض مزبور صاحب اسپرم معلوم باشد، حضانت طفل بر عهده صاحب اسپرم قرار می‌گیرد هر چند که بین آن دو توارث نیست.

در ارتباط با حضانت طفل در فرض اهدای تخمک بیگانه، صاحب اسپرم پدر طفل است و صاحب تخمک مادر است و در نتیجه حضانت می‌باشد بر عهده صاحبان اسپرم و تخمک می‌باشد.

ولی در حالت اهداء تخمک با وضعیتی رو به رو هستیم که از یک طرف خانواده ناباروری وجود دارد که شوهر، پدر کودک است و زوجه وی بچه را به دنیا آورده است به طوری که حادثه خارجی تولد بچه در

^۱ ماده ۱۱۷۱- در صورت فوت یکی از ابوین حضانت طفل با آنکه زنده است خواهد بود هر چند متوفی پدر طفل بوده و برای او قیم معین کرده باشد.

داخل خانواده از زنی که سمت زوجه را دارد، محقق شده است در حالی که در طرف دیگر زن صاحب تخمک وجود دارد که عموماً ناشناخته بوده و اصولاً قصدی برای به دوش کشیدن مسئولیت پرورش و بزرگ کردن کودک نداشته است، فلذا به نظر می‌رسد برای مصلحت و سعادت طفل که به نوعی بهترین عامل تصمیم‌گیری در رابطه با تعیین حضانت کودک است، در وضعیت مذکور حضانت طفل با زن پذیرنده تخمک خواهد بود، (نایب زاده، ۱۳۸۰، ۵۴۲). به نظر می‌رسد در فرض مزبور زن پذیرنده تخمک دارای شوهر است و او با توافق شوهر مسئولیت تولد فرزند را بر عهده گرفته‌اند فلذا حضانت بچه بر عهده شوهر است هر چند که رابطه شرعی بین بچه و آن دو محل تأمل است.

در مورد حضانت طفل شبیه‌سازی شده با توجه به نظر برخی از فقها که صاحب سلول را پدر یا مادر می‌دانند در شرایطی که از سلول جسمی مادر گرفته شده باشد حضانت طفل تا سن هفت سالگی کودک بر عهده مادر است و به دلیل اینکه در این حالت طفل فاقد پدر است، طبق ماده ۱۱۷۱ ق.م. فرض بر این است که پدر فوت شده و حضانت طفل بر عهده آن که زنده است می‌باشد که در اینجا همچنان حضانت بر عهده مادر (صاحب سلول) است، و اگر از سلول جسمی پدر برای شبیه‌سازی استفاده شده باشد، طفل فاقد مادر است و بر همان مبنای ماده ۱۱۷۱ ق.م. عمل می‌شود و فرض بر این است که مادر فوت شده و حضانت طفل بر عهده پدر (صاحب سلول) می‌باشد.

به نظر می‌رسد بنا بر نظر مختار که صاحب سلول دوقلوی فرد شبیه سازی شده است، حضانت او بر عهده پدر و مادر صاحب سلول است مگر این که گفته شود اگر صاحب سلول بدون رضایت پدر و مادر خود اقدام به این عمل کند نمی‌توان آنها را مکلف به حضانت وی کرد.

۳-۴- الزام به انفاق

در فقه امامیه نفقه اولاد بر عهده پدر است و اگر پدر نباشد و یا فقیر باشد بر عهده جدپدری است تا هر قدر بالا روند و اگر آنها نباشند و یا توان دادن نفقه را نداشته باشند این وظیفه بر عهده مادر است و اگر مادر نباشد و یا فقیر باشد نفقه بر عهده اجداد مادری می‌باشد و همین طور هر چه قدر بالاتر روند بر حسب

قاعده الاقرب فالاقرب (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۸۰) قانون مدنی ایران در ماده ۱۱۹۹ هم به این موضوع در مورد نفقه اولاد اشاره کرده است .

بعضی از فقها از جمله (بهجت، ۱۴۲۸، ۴۷۳؛ مکارم شیرازی، استفتاء شماره ۹۶۱۲۲۲۰۰۲۲؛ قبله‌ای، ۱۳۷۸، ۱۴۸) بیان می‌دارند هرچند در رابطه تفخیز عمل حرامی صورت گرفته ولی در این حالت زنا موضوعیت ندارد و طفلی که از این رابطه نامشروع متولد می‌شود به پدر و مادر خود ملحق می‌شود. پس نمی‌توان در این مورد طبق ماده^۲ ۱۱۶۷ قانون مدنی عمل کرد و بر اساس این نظریه نفقه که یکی از آثار نسب مشروع می‌باشد در این شرایط حاکم بوده و در مورد این کودکان باید طبق ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی عمل کرد و او مستحق دریافت نفقه از اقارب خود می‌باشند. اما به نظر ما ثبوت نفقه برای کودک فقط به لحاظ قانونی و به حکم دادگاه است نه به لحاظ مشروع بودن طفل متولد شده از تفخیز دو بیگانه.

در ارتباط با نفقه طفل در فرض اهدای اسپرم بیگانه برخی معتقدند با توجه به ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی و همینطور به دلیل این که صاحب اسپرم یعنی پدر واقعی کودک غالباً شناخته شده نیست، مانند آن است که پدر و اجداد پدری وی در قید حیات نباشند. بنابراین نفقه کودک بر عهده مادر است و اگر مادر قادر به انفاق نباشد با رعایت الاقرب فالاقرب بر عهده اجداد و جدات مادری کودک خواهد بود و در هر صورت شوهر آن زن تکلیفی بر عهده ندارد، زیرا کودک با او قرابت نسبی ندارد و نفقه فرزند زوجه بر عهده وی نخواهد بود. (صمدی اهری، ۱۳۸۲، ۱۱۳ - ۱۱۴).

چنانکه بیان شد در حالت اهدای تخمک بیگانه، شوهر که همان مرد صاحب اسپرم است، پدر قانونی طفل است بنابراین بر اساس ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی نفقه طفل در درجه اول بر عهده پدر می‌باشد و در صورت فقدان پدر و یا عدم توانایی در پرداخت نفقه طفل، این وظیفه بر عهده جدپدری می‌باشد و

^۱ ماده ۱۱۹۹- نفقه اولاد بر عهده پدر است پس از فوت پدر یا عدم قدرت او به انفاق بعهد اجداد پدری است با رعایت الاقرب فالاقرب در صورت نبودن پدر و اجداد پدری و یا عدم قدرت آنها نفقه بر عهده مادر است . هر گاه مادر هم زنده و یا قدر به انفاق نباشد با رعایت الاقرب فالاقرب به عهده اجداد و جدات مادری و جدات پدری واجب النفقه است و اگر چند نفر از اجداد و جدات مزبور از حیث درجه اقربیت مساوی باشند نفقه را باید بحصه متساوی تادیه کنند

^۲ ماده ۱۱۶۷- طفل متولد از زنا ملحق به زانی نمی‌شود.

همینطور در نبود جدپدری این وظیفه برعهده مادرمی‌باشد و از آنجایی که مادرفل (صاحب تخمک) ممکن است ناشناس باشد و یا از آن اعراض کرده باشد، در این صورت کودک متولد شده بدون ولی بوده و مسئولیت او با حاکم شرع است.

در ارتباط با طفل شبیه سازی شده بر اساس نظر کسانی که صاحب سلول را پدر یا مادر او می‌دانند؛ اگر از سلول جسمی زوج استفاده شود، چون طفل فقط دارای پدر می‌باشد و زوجه مادر رضاعی طفل است، با توجه به ماده ۱۱۹۹ ق.م.نقعه طفل بر عهده پدر است و در صورت فوت پدر یا عدم قدرت پدر به پرداخت نفقه برعهده اجداد پدری است اما اگر از سلول جسمی زوجه استفاده شود طفل فاقد پدر و طبق ماده ۱۱۹۹ ق.م.نقعه بر عهده مادر و اجداد مادری است. اما به نظر ما که پدر و مادر صاحب سلول؛ پدر و مادر طفل محسوب می‌شوند، نفقه او بر عهده پدر یا جد پدری صاحب سلول است.

۴-۴- توارث

توارث در اصطلاح حقوقی عبارت است از انتقال مالکیت میت پس از فوت به ورثه او، متوفی را اصطلاحاً مورث و کسی که ارث می‌بود و ارث و دارایی باقیمانده از متوفی را میراث یا ترکه می‌گویند (امامی، ۱۳۹۲، ۲۰۶).

در مورد طفل حاصل از تفخیز دو بیگانه بین فقها اختلاف نظر وجود دارد. گروهی قائل به عدم توارث برای طفل هستند (هاشمی شاهرودی، استفتاء، کدرهگیری od^oe۸۶a۹c؛ حکیم، استفتاء، کدرهگیری ۰۸۶c۳e۷e۵۵). برخی دیگر احکام فرزندان مشروع را برای طفل برقرار داشته و بیان می‌دارند طفل از ابوبن خود ارث می‌برد. (صانعی، شماره استفتاء ۱۸۴۷۴۴؛ مکارم شیرازی، استفتاء، کدرهگیری ۹۶۱۲۲۲۰۰۲۲؛ قبله‌ای ۱۳۷۸، ۱۴۸) به نظر می‌رسد حکم به توارث در اینجا محل تأمل است زیرا هر چند که طفل متولد شده از تفخیز دو بیگانه زنازاده به معنای خاص شرعی نیست ولی از آنجا که دارای نسب شرعی نمی‌باشد، صاحب نطفه و صاحب تخمک، پدر و مادر شرعی او و به عنوان مورث محسوب نمی‌شوند اما حکم به جواز حضانت، ولایت، نفقه و محرمیت برای فرزند طبیعی که در مباحث قبلی آمده، از باب رابطه تکوینی و به دلیل رعایت مصلحت کودک و با حکم دادگاه است.

در مورد ارث طفل حاصل از اهدای اسپرم بیگانه، بعضی از فقها این تلقیح را جایز نمی‌دانند، معتقدند که این طفل از رابطه زنا به وجود نیامده و طفل را ملحق به صاحب اسپرم دانسته و تمام احکام پدر و فرزندی از جمله ارث را جایز می‌دانند (فاضل لنکرانی، بی‌تا، ۱۰۰؛ سیستانی، ۱۴۳۳، ۴۸۱؛ مدنی تبریزی،

۱۴۱۳، ۷۷). برخی دیگر معتقدند که اگر صاحب اسپرم معلوم باشد، بچه از او و او از بچه ارث می‌برد، همچنین است بین او و مادر (جناتی، استفتاء تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۲). گروهی دیگر در مورد ارث در فرض وقوع آن بدون آگاهی در حکم یا موضوع، قائل به جواز شده‌اند و گرنه این عمل را بنا بر احتیاط واجب جایز نمی‌دانند (حکیم، استفتاء، کدرهگیری ۳۱۳۹۵CC۸۹CC) و عده‌ای دیگر به طور کلی در مورد ارث قائل به احتیاط شده‌اند. (نوری همدانی، ۱۳۸۰، ۶۰۸؛ منتظری، ۱۴۲۷، ۳۱۷) اما بعضی از فقها حکم به عدم جواز ارث بین صاحب اسپرم و طفل داده‌اند و معتقدند که این عمل زنا نیست ولی از جهاتی شبیه زنا است و نمی‌توان تمام احکام طفل مشروع را برای این‌گونه فرزندان برقرار کرد، از جمله توارث (مکارم شیرازی، ۱۴۲۹، ۸۲؛ صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲، ۵۷).

به نظر می‌رسد چنان که در بحث تفخیز آمد؛ عمل مذکور در فرض علم به حکم یا موضوع، در حکم زنا بوده و به دلیل عدم نسب شرعی، مشمول حکم به توارث نمی‌شود و همین فرض در صورتی که اسپرم بیگانه ناشناخته باشد، در مورد مادر نیز صادق است.

در ارتباط با ارث طفل حاصل از اهدای تخمک بیگانه، برخی قائل به توارث بین بچه و صاحب تخمک هستند (منتظری، ۱۴۲۷، ۹۰؛ جناتی، استفتاء تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۲). و برخی دیگر معتقدند مادر بودن زنی که تخمک به او تعلق دارد، در صورتی که اختلاط نطفه و تخمک با خواست آن زن بوده و اعراض ننموده (مانند قرار دادن در بانک اسپرم تا هر شخصی که خواست از آن استفاده کند) ظاهراً ثابت است و ارث می‌برد اما زنی که بچه در رحم او پرورش یافته با شیر دادن و تحقق بقیه شرایط رضاعی، مادر رضاعی می‌شود (صانعی، استفتاء شماره ۱۸۵۱۵۵). گروهی دیگر معتقدند که این کار بنا بر احتیاط واجب حرام است و در صورت علم و آگاهی توارث ثابت نیست (حکیم، استفتاء، ۳۱۳۹۵CC۸۹CC).

در مورد ارث فرزند شبیه‌سازی شده، اگر صاحب سلول را پدر و مادر او بدانیم، توارث بین آنها ثابت است. (مؤمن، ۱۳۸۴، ۷؛ معرفت ۱۳۸۴، ۴) بعضی دیگر قائل به مصالحه شده‌اند (حکیم، ۰۸۶C۳eve۵۵). و به نظر برخی دیگر حکم به توارث نمی‌شود (مکارم شیرازی، استفتاء شماره ۹۶۱۲۲۱۰۰۲۱؛ صانعی، استفتاء شماره ۱۸۴۷۴۴). اما به نظر ما که پدر و مادر صاحب سلول؛ والدین طفل شبیه‌سازی شده هستند؛ بین آنها حکم به ارث می‌شود و صاحب سلول به عنوان قُل همسان (برادر یا خواهر) او محسوب شده و با یکدیگر در طبقات ارث قرار می‌گیرند.

۵- نتیجه گیری

۱- در نسب مشروع وجود رابطه‌ی زوجیت بین زن و مرد ضروری است و در رابطه‌ی تفخیز دو بیگانه اصلاً زوجیت موضوعیت ندارد پس در این حالت نمی‌توان قائل به نسب مشروع شد. ولی به دلیل اینکه این عمل زنا نیست و شرایط زنا محقق نشده است نمی‌توانیم طفل را از پدر و مادر منتفی کنیم و مانند ولدالزنا فاقد نسب بدانیم به نظر می‌رسد در این حالت طفل به پدر و مادر خود ملحق می‌شود ولی از تمام احکام مربوط به نسب شرعی برخوردار نیست یعنی حضانت، نفقه و ولایت طفل با حکم دادگاه و در راستای مصلحت کودک برعهده‌ی ابوبینش می‌باشد و مسئله ارث به دلیل عدم زوجیت در اینجا جایگاهی ندارد.

۲- در روش تلقیح مصنوعی با اسپرم بیگانه می‌توان نتیجه گرفت این طفل از نظر ژنتیکی و عرفی منتسب به صاحب اسپرم است زیرا جنین از نطفه او متکون شده است و در این نوع از تلقیح اصلاً عمل زنا تحقق نیافته است تا طفل ولدالزنا محسوب و به زانی ملحق نگردد. می‌توان گفت در این حالت پدر طفل صاحب اسپرم بیگانه است و به دلیل عدم رابطه زوجیت (یکی از شرایط نسب مشروع می‌باشد) بین صاحب اسپرم و زن نمی‌توان تمامی احکام مربوط به نسب مشروع را برای این کودکان لحاظ کرد و به همین دلیل در این حالت طفل از صاحب اسپرم ارث نمی‌برد ولی حضانت، ولایت و نفقه طفل به حکم دادگاه بر عهده صاحب اسپرم است، و در صورتی که صاحب اسپرم مجهول باشد به حکم دادگاه بر عهده شوهر زن پذیرنده تخمک است.

۳- در روش اهدای تخمک بیگانه به این نتیجه رسیدیم که مادر واقعی طفل صاحب تخمک است زیرا آفرینش و نخستین مرحله وجود کودک از نطفه (ترکیب اسپرم و تخمک) پدر و مادر است و زن صاحب رحم در حکم مادر رضاعی است که فقط با طفل رابطه‌ی محرمیت دارد و احکام نسب به جز توارث با حکم دادگاه بر عهده شوهر زن صاحب رحم است.

۴- فرد شبیه‌سازی شده دو قلوی صاحب سلول است، یعنی اگر از هسته سلول جسمی فردی استفاده شود، فرد به وجود آمده از طریق شبیه‌سازی با صاحب هسته سلول دوقلو است و پدر و مادر طفل بوجود آمده همان پدر و مادر صاحب سلول است، و تمام احکام نسب بر عهده پدر و مادر صاحب سلول است منوط بر این که آنها راضی به این عمل باشند و اگر نه به حکم دادگاه به جز توارث بقیه موارد بر عهده صاحب سلول است.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴). لسان العرب (چاپ سوم). بيروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع - دار صادر.
- اراکی، محمد علی (۱۳۶۸). توضیح المسائل. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- _____ (۱۳۷۳). مجموعه استفتائات (چاپ اول). بی جا: نشر معروف.
- امامی، اسدالله (۱۳۹۲). مطالعه تطبیقی نسب و تغییر جنسیت در حقوق ایران و فرانسه (چاپ دوم). تهران: نشر میزان.
- _____ (۱۳۸۰). وضعیت حقوقی باروری مصنوعی و انتقال جنین، گروه فقه و حقوق و روانشناسی پژوهشکده ابن سینا "مجموعه مقالات روشهای نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق (چاپ اول). قم.
- امامی، حسن (۱۳۷۷). حقوق مدنی (چاپ پانزدهم). تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- _____ (۱۳۷۶). حقوق مدنی (چاپ دوازدهم). تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- بهجت فومنی، محمد تقی (۱۴۲۸). استفتائات (چاپ اول). قم: دفتر حضرت آیه الله بهجت.
- تبریزی، میرزا جواد (۱۳۸۵). استفتائات جدید (چاپ سوم). انتشارات سرور.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۶). حقوق خانواده (چاپ دوم). تهران: کتابخانه گنج دانش.
- جناتی، محمد ابراهیم (۱۳۸۴). رساله توضیح المسائل (استفتائات، پرسش و پاسخ) (چاپ اول). قم: انتشارات انصاریان.
- حرّاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعة (چاپ اول)، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۹). رساله اجوبه الاستفتائات (ترجمه فارسی) (چاپ پنجاه و هشتم). تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- خوئی، سید ابو القاسم (۱۴۱۸). صراط النجاه (چاپ اول). قم: انتشارات صدیقه شهیده.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا (چاپ دوم). تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

- دینانی، عبدالرسول (۱۳۸۷). حقوق خانواده: ازدواج و انحلال آن (چاپ اول). تهران: نشر میزان.
- رضانیا معلم، محمدرضا (۱۳۸۰). وضعت حقوقی (نسب) کودک ناشی از انتقال جنین، گروه فقه و حقوق و روانشناسی پژوهشکده ابن سینا، مجموعه مقالات روشهای نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق (چاپ اول). قم.
- ریاضت، زینب (۱۳۹۱). چالش های فقهی، حقوقی و اخلاقی تلقیح مصنوعی و رویارویی با حق باروری زوجین نابارور. فصلنامه حقوق پزشکی، سال ششم، شماره ۲۰، ص ۷۸-۱۱۴.
- سلمان السعدی، داود (۱۴۳۳). الاستنساخ بین العلم و الفقه، بیروت: دارالحرف.
- _____ (۱۴۱۶). مستحدثات المسائل، لندن: مؤسسه امام علی (ع).
- سیستانی، سیدعلی (۱۴۳۳). توضیح المسائل، مشهد: چاپ آبرنگ مشهد.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۰). اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة (چاپ اول). بیروت: دار التراث - الدار الإسلامیة.
- صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۹۲). جامع الاحکام (چاپ اول). قم: دفتر تنظیم و نشر آثار.
- صفایی، سید حسین (۱۳۸۷). دوره مقدماتی حقوق مدنی: اشخاص و اموال (چاپ هشتم). تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- صفایی، سید حسین و امامی، اسدالله (۱۳۸۷). مختصر حقوق خانواده (چاپ پانزدهم). تهران: نشر میزان.
- _____ (۱۳۹۳). حقوق خانواده: قرابت و نسب و آثار آن (چاپ ششم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- صمدی اهری، محمد هاشم (۱۳۸۲). نسب ناشی از لقاح مصنوعی در حقوق ایران و اسلام (چاپ اول). تهران: کتابخانه گنج دانش.
- علوی قزوینی، سید علی (۱۳۸۰). آثار حقوقی تلقیح مصنوعی انسان گروه فقه و حقوق و روانشناسی پژوهشکده ابن سینا "مجموعه مقالات روشهای نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق" (چاپ اول). قم.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۰). جامع المسائل (چاپ دهم). قم: انتشارات امیرالعلم.
- _____ (بی تا). احکام پزشکان و بیماران. قم.

- قبله‌ای، خلیل (۱۳۷۸). بررسی احکام فقهی و حقوقی کودکان نامشروع. فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، شماره ۱۳ و ۱۴، ص ۱۱۵-۱۴۹.
- قربان نیا، ناصر (۱۳۸۰). حکم تکلیفی و وضعی انتقال جنین تکون یافته از اسپرم و تخمک زن و شوهر قانونی به رحم زن دیگر، گروه فقه و حقوق و روانشناسی پژوهشکده ابن سینا، مجموعه مقالات روش-های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق، (چاپ اول). قم.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۸). تفسیر نور (چاپ اول). تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). حقوق مدنی خانواده (چاپ هفتم). تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاوشی نو در فقه (۱۳۸۴). فصلنامه فقه. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، شماره ۴۶.
- گرجی، ابوالقاسم، صفایی، سید حسین، عراقی، عزت اله، امامی، اسداله، قاسم زاده، مرتضی، صادقی، محمود، برزوئی، عباس، حمیدزاده، احمد، آهنی، بتول (۱۳۸۷). بررسی تطبیقی حقوق خانواده (چاپ دوم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۱۰). بحار الأنوار (چاپ اول). بیروت: مؤسسه الطبع و النشر.
- محلاتی، شهربانو (۱۳۸۴). بررسی خلاء های قانونی حقوق کودک ۱ (چاپ اول). تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
- مدنی تبریزی، سید یوسف (۱۴۱۳). المسائل المستحدثه، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- معین، محمد (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی معین (چاپ نهم). تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۹). احکام پزشکی، (چاپ اول). قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- منتظری نجف‌آبادی، حسین علی (۱۴۲۷). معارف و احکام بانوان (چاپ دوم). قم: انتشارات مبارک.
- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (۱۳۸۰). رساله توضیح المسائل (چاپ اول). قم: انتشارات نجات.
- موسوی بجنوردی، سید محمد؛ علیزاده، نگار (۱۳۸۹). بررسی حقوقی مسئله شبیه سازی انسان با رویکردی بر نظر امام خمینی. پژوهشنامه متین، شماره ۴۸، ص ۱۷-۳۹.
- مهدوی کنی، صدیقه؛ احمدوند، بهناز؛ نوراحمدی، انسیه (۱۳۹۲). بررسی احکام فقهی-حقوقی کودکان متولد شده از رحم جایگزین. فصلنامه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، دوره ۹، شماره ۳۱، ص ۱۸۱-

۲۰۲.

- نایب‌زاده، عباس (۱۳۸۰). بررسی حقوقی روشهای نوین باروری مصنوعی - مادر جانشین - اهداء تخمک - جنین (چاپ اول). تهران: انتشارات مجد.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، (چاپ هفتم). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- نظری توکلی، سعید؛ احمدی، میثم (۱۳۹۶). مفهوم شناسی مادر در باروری به روش مادر جانشین. فصلنامه فقه پزشکی، دوره نهم، شماره ۳۲ و ۳۳، ص ۵۵-۶۹.
- نوبخت، محمد؛ مرادی، احسان، (۱۳۸۵). شبیه سازی انسان از دیدگاه ادیان مختلف. دومین همایش بررسی ضوابط شرعی در پزشکی، ص ۲۶۳-۲۹۴.
- نوری همدانی، حسین (۱۳۸۰). رساله توضیح المسائل (چاپ شانزدهم). مؤسسه مهدی موعود (عج).
- واسطی، زبیدی، حنفی، محب الدین، سید محمد مرتضی حسینی (۱۴۱۴). تاج العروس من جواهر القاموس (چاپ اول). بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- وحید خراسانی، حسین (۱۴۲۸). توضیح المسائل (چاپ نهم). قم: مدرسه امام باقر علیه السلام.
- یدالهی باغلوبی، عباس؛ آذین، سید محمد؛ عمانی سامانی، رضا (۱۳۹۴). بررسی وضعیت نسب طفل ناشی از جانیشینی در بارداری. فصلنامه فقه پزشکی، سال هفتم، شماره ۲۲ و ۲۳، ص ۴۱-۷۴.
- Trounson, A., Leeton, O., Wood, C., et.al. (۱۹۸۱). Pregnancies in Human by cartelization in Vitro and Embry Transfer in the Controlled Ovulatory Cycle. Science Pub, ۲۱۲.